



The Extent of Punishment for the Statements and Conduct of Public Figures (Celebrities) in Islamic Jurisprudence and Positive Law

Seyyed Rahmatollah Danesh Mirkohan^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 45-60

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3862-5503

TELL: +989113420556

Email: d_mirkohan@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 13 Dec 2025

Revised: 27 Dec 2025

Accepted: 01 Feb 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

*Criminal Liability,
Celebrities, Aggravated
Punishment, Criminal
Statements, Criminal Justice.*

ABSTRACT

This study examines the foundations of the criminal liability of public figures within the Iranian legal system, focusing on the dual influence and heightened responsibility of celebrities in shaping public opinion. In recent years, the growing presence of famous individuals in media and digital platforms has significantly amplified the social impact of their statements and actions, often extending far beyond that of ordinary individuals. Despite this substantial influence, Iranian criminal law lacks a specific and systematic provision addressing the aggravation of punishment for criminal statements made by celebrities. This gap restricts the ability to assess such conduct within a coherent and principled framework and has, in certain cases, led to inconsistent interpretations in judicial practice. Employing an analytical–descriptive method and relying on library and documentary sources, the research first explores the social and legal standing of celebrities and then conducts a comparative analysis to examine the existing capacity of Iranian law to impose aggravated penalties or more severe ta'zir punishments in such cases. Based on the central hypothesis of the study, the wide-reaching impact and persuasive power of celebrity speech may cause greater social harm; therefore, it is reasonable for the legislature to establish a specific provision—or interpret existing principles—in a way that allows for enhanced punishment. The findings indicate that the current legislative gap requires reform and the development of clear mechanisms to ensure proportionality, deterrence, and criminal justice.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Danesh Mirkohan, S. R (2026). “The Extent of Punishment for the Statements and Conduct of Public Figures (Celebrities) in Islamic Jurisprudence and Positive Law”. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(2): 45-60.



دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

میزان مجازات اظهارنظرها و اعمال افراد مشهور (سلبریتی‌ها) در فقه و حقوق موضوعه

سید رحمت‌اله دانش میرکهن*

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل مبانی مسؤولیت کیفری افراد مشهور در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و مسأله اصلی آن، نقش اثرگذاری گسترده سلبریتی‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی و پیامدهای حقوقی ناشی از این قدرت اجتماعی است. در سال‌های اخیر، حضور پررنگ افراد مشهور در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی موجب شده است که اظهارات، کنش‌ها و پیام‌های آنان تأثیری بسیار فراتر از افراد عادی بر رفتار و نگرش جامعه داشته باشد. با وجود این نقش مؤثر و گاه تعیین‌کننده، حقوق کیفری ایران فاقد حکم صریح و نظام‌مند درباره تشدید مجازات اظهارات مجرمانه سلبریتی‌هاست؛ خلأی که امکان ارزیابی دقیق، منسجم و مبتنی بر اصول عدالت کیفری را محدود می‌کند و در برخی موارد، منجر به تفسیرهای متفاوت و پراکنده در رویه می‌شود. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نخست جایگاه اجتماعی و حقوقی سلبریتی‌ها را بررسی کرده و سپس با تحلیل مقایسه‌ای، ظرفیت‌های موجود در حقوق ایران برای اعمال تشدید مجازات یا تعزیرات شدیدتر در چنین مواردی را واکاوی می‌کند. بر اساس فرضیه اصلی تحقیق، به دلیل گستره اثرگذاری و قدرت نفوذ گفتاری افراد مشهور، اظهارات مجرمانه آن‌ها می‌تواند آثار زیان‌بارتر و مخرب‌تری در جامعه ایجاد کند؛ از این‌رو منطقی است که قانون‌گذار با تأسیس حکم خاص یا تفسیر اصول موجود، امکان تشدید کیفر را در چنین وضعیتی پیش‌بینی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که خلأ موجود مستلزم بازنگری تقنینی و تدوین سازوکارهای مشخص برای رعایت تناسب، بازدارندگی و عدالت کیفری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۶۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۵۰۳-۳۸۶۲-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۱۳۴۲۰۵۵۶+

ایمیل: d_mirkohan@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

مسؤولیت کیفری، سلبریتی، تشدید مجازات، اظهارات مجرمانه، عدالت کیفری.



مقدمه

مفهوم «سلبریتی» در دهه‌های اخیر به یکی از کلیدی‌ترین موضوعات مطالعات اجتماعی و حقوقی تبدیل شده است؛ مفهومی که اگرچه در ابتدا بیشتر در حوزه فرهنگ عمومی و صنعت سرگرمی مطرح بود، اما به تدریج به نحو گسترده‌ای وارد حوزه‌های سیاست، اقتصاد، کنشگری اجتماعی و حتی حقوق کیفری شده است. از منظر جامعه‌شناختی، «سلبریتی» به فردی اطلاق می‌شود که به واسطه حضور مداوم در رسانه‌ها، تولید محتوا، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی یا سیاسی، یا بهره‌مندی از سرمایه نمادین، دارای جایگاهی است که او را به یک «موضوع عمومی» تبدیل می‌کند. این جایگاه با «مشهور بودن» صرف تفاوت دارد؛ چراکه در نظریه‌های جامعه‌شناسی ارتباطات، سلبریتی فردی است که نه تنها دیده می‌شود، بلکه به سبب سازوکارهای تولید شهرت، توانایی شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری قابل توجه بر رفتار جمعی را نیز داراست.

در حوزه حقوق، تعریف سلبریتی بر نقش و اثرگذاری او متمرکز است. از این منظر، سلبریتی فردی است که سخنان یا اقداماتش - به دلیل تعداد زیاد مخاطبان و اعتماد اجتماعی نسبت به وی - پیامدهای حقوقی و اجتماعی گسترده‌تری ایجاد می‌کند. در حقوق کیفری، این ویژگی می‌تواند موجب شکل‌گیری نوعی «مسئولیت مضاعف» شود؛ زیرا رفتار فرد مشهور، به‌ویژه در فضای مجازی، نه تنها رفتار شخصی اوست بلکه ممکن است زمینه‌ساز تحریک، ترغیب یا الگوسازی برای دیگران گردد. بدین ترتیب، سخن یا کنش او قابلیت اثرگذاری فراتر از حوزه فردی و در سطح عمومی را پیدا می‌کند.

نسبت میان شهرت و مسئولیت اجتماعی نیز در همین نقطه برجسته می‌شود. هرچه دامنه نفوذ فرد گسترده‌تر باشد، انتظار جامعه از او برای رعایت موازین اخلاقی، اجتماعی و حقوقی نیز افزایش می‌یابد. در نظریه‌های معاصر مسئولیت اجتماعی، سلبریتی‌ها حامل «بار نمادین» هستند؛ یعنی رفتار آنان نه تنها به نام خودشان بلکه به‌عنوان الگوی اجتماعی قضاوت می‌شود. به همین دلیل، انحراف در گفتار یا رفتار آنان - به‌ویژه در حوزه‌هایی که منجر به گمراه‌سازی عمومی، نشر اطلاعات خلاف واقع یا تحریک احساسات عمومی می‌شود - می‌تواند

پیامدهای شدیدتری ایجاد کند و به ایجاد بی‌نظمی یا آسیب اجتماعی بینجامد. این واقعیت پرسشی بنیادین را پیش روی حقوق کیفری قرار می‌دهد: آیا باید برای اظهارات مجرمانه سلبریتی‌ها، به دلیل گستره اثرگذاری آنان، مجازات شدیدتر یا مقررات کیفری خاصی پیش‌بینی شود؟

پرسش اصلی این تحقیق دقیقاً از همین چالش ناشی می‌شود؛ از آنجاکه حقوق ایران مقرر صریحی درباره تشدید مجازات سلبریتی‌ها ندارد، این مسأله مطرح می‌شود که آیا اصول موجود در حقوق کیفری و فقه اسلامی ظرفیت آن را دارد که چنین تمایزی را موجه سازد؟ و اگر پاسخ مثبت است، حدود و ثغور آن چگونه باید تعریف شود تا هم با عدالت کیفری سازگار باشد و هم مانع از سوءاستفاده از شهرت به‌عنوان ابزار آسیب‌رسانی اجتماعی گردد؟

فرضیه متناظر با این پرسش بر این مبنا استوار است که: به دلیل وسعت اثرگذاری و قدرت نفوذ گفتاری افراد مشهور، اظهارات مجرمانه آنان می‌تواند آثار زیان‌بارتر و مخرب‌تری نسبت به افراد عادی داشته باشد؛ از این‌رو، منطقی و عادلانه است که قانون‌گذار پیش‌بینی تشدید کیفر یا تعزیرات شدیدتر را برای چنین مواردی امکان‌پذیر سازد. این فرضیه بر دو مبنا تکیه دارد: نخست، اصل تناسب در حقوق کیفری که ناظر بر رابطه میان شدت رفتار و پیامدهای آن است؛ و دوم، نقش پیشگیرانه مجازات در جلوگیری از تکرار یا گسترش الگوهای رفتاری مضر.

اهمیت این موضوع در شرایط کنونی شبکه‌های اجتماعی دوچندان شده است. سلبریتی‌های امروز صرفاً بازیگران، خوانندگان یا ورزشکاران نیستند؛ بلکه بسیاری از آنان به واسطه حضور مستمر در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، تلگرام و پلتفرم‌های جدید مبتنی بر ویدئوهای کوتاه، میلیون‌ها مخاطب دارند. الگوریتم‌های مبتنی بر تقویت محتوا نیز قدرت چند برابری به آنان می‌دهد؛ به گونه‌ای که یک اظهار نظر یا یک رفتار می‌تواند در چند ساعت در سطح ملی یا حتی جهانی منتشر شود. در چنین فضایی، تفاوت میان یک فرد عادی و یک سلبریتی در میزان تأثیرگذاری چنان گسترده شده که نمی‌توان

از حقوق کیفری انتظار داشت بدون در نظر گرفتن این تفاوت ماهوی، واکنش واحدی نشان دهد.

با وجود اهمیت روزافزون این بحث، ادبیات پژوهشی در ایران هنوز توسعه نیافته است. جز چند مقاله پراکنده دربارهٔ مسئولیت اجتماعی سلبریتی‌ها یا نقش آنان در رسانه، پژوهش جامع، نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل حقوقی دربارهٔ مسئولیت کیفری آنان، به‌ویژه در مورد تشدید مجازات اظهارنظرهای مجرمانه، وجود ندارد. این خلأ پژوهشی ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای را نشان می‌دهد؛ مطالعاتی که از یک‌سو مبانی جامعه‌شناختی شهرت را می‌کاود و از سوی دیگر، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های حقوق کیفری و فقه اسلامی را برای پاسخ‌گویی به این مسأله تحلیل می‌کند. پژوهش حاضر در همین راستا تلاش دارد گامی در پر کردن این شکاف ادبیاتی بردارد و زمینه‌ای برای بازنگری تقنینی یا توسعه رویه قضایی فراهم کند.

۱- مبانی نظری

بررسی مسئولیت کیفری افراد مشهور، بدون تبیین دقیق مبانی نظری مرتبط با مفهوم شهرت، قدرت نمادین و نقش اجتماعی سلبریتی‌ها، ممکن نیست. تبیین این مبانی از آن‌رو اهمیت دارد که نشان دهد چرا رفتار یا گفتار یک فرد مشهور ماهیتی متفاوت از رفتار فرد عادی پیدا می‌کند و چگونه این تفاوت می‌تواند بر تحلیل حقوقی و کیفری تأثیر بگذارد. مبانی نظری تحقیق با واکاوی ساختارهای جامعه‌شناختی تولید شهرت، جایگاه سلبریتی‌ها در نظام ارتباطات معاصر و اصول حقوقی مرتبط با مسئولیت، تلاش می‌کند چارچوبی علمی برای فهم نسبت میان شهرت، اثرگذاری و تشدید مسئولیت ارائه کند. این بخش در واقع شالوده تحلیلی پژوهش را می‌سازد و بنیانی فراهم می‌آورد تا در ادامه بتوان دربارهٔ ضرورت یا عدم ضرورت ایجاد مقررات کیفری ویژه برای افراد مشهور با دقت بیشتری بحث کرد.

۱-۱- مفهوم شهرت و تأثیر اجتماعی

در حقوق، تعریف فرد مشهور به ملاک «اثرگذاری اجتماعی» نزدیک می‌شود. در این دیدگاه، سلبریتی شخصی است که جایگاه اجتماعی و گستره مخاطبان او به نحوی است که رفتار یا گفتار وی پیامدهای حقوقی و اجتماعی قابل توجه و فراتر از

دایرهٔ فردی ایجاد می‌کند. از منظر مسئولیت، حقوق به‌طور سنتی بر اصل برابری اشخاص در برابر قانون تأکید دارد؛ با این حال، نظریه‌های جدید مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهند که میزان اثرگذاری می‌تواند در ارزیابی تقصیر، پیش‌بینی‌پذیری پیامدها و شدت آسیب نقش تعیین‌کننده داشته باشد (Duff, 143: 2018). این تحلیل، زمینه توجه به سلبریتی‌ها را به‌عنوان کنشگران واجد نقش تقویت‌شده در فضای عمومی فراهم می‌کند.

اهمیت اظهارنظرهای افراد مشهور ناشی از پیوند میان شهرت و قدرت نمادین است. کنش‌های گفتاری سلبریتی‌ها نه تنها واجد ارزش ارتباطی هستند، بلکه کارکرد الگوسازی و بسیج اجتماعی نیز دارند. به دلیل تراکم مخاطبان، یک پیام از سوی فرد مشهور می‌تواند «اثر تکثیر» ایجاد کند و در زمانی کوتاه به بازتعریف ادراک عمومی منجر شود. این پیامد از منظر حقوقی قابل اغماض نیست؛ زیرا افزایش احتمال وقوع آسیب، افزایش قابلیت انتساب پیامد به گوینده و افزایش شدت تأثیر اجتماعی، همگی در مفهوم مسئولیت مؤثرند (Feinberg, 112: 1984). بنابراین، رفتار گفتاری سلبریتی‌ها به دلیل ظرفیت بالای ایجاد تغییر در رفتار جمعی، از منظر تحلیل حقوقی، در طبقه‌ای متفاوت از رفتار افراد عادی قرار می‌گیرد.

در شبکه‌های اجتماعی، این اهمیت به‌صورت چشمگیر تشدید می‌شود؛ زیرا الگوریتم‌ها به‌طور ساختاری محتوا را بر اساس جلب توجه توزیع می‌کنند و سلبریتی‌ها بیشترین توانایی برای شکست مرزهای انتشار محتوا را دارند. در نتیجه، گفته‌های آنان می‌تواند به سرعت به «گفتمان غالب» تبدیل شود و در برخی موارد، موجب تحریک، خطا در ادراک عمومی، یا ایجاد آسیب اجتماعی گردد. در چنین وضعیتی، تحلیل حقوقی نمی‌تواند گسترهٔ اثرگذاری را نادیده بگیرد؛ زیرا قدرت تولید پیامد، بخشی از ارزیابی درجه مسئولیت محسوب می‌شود (Sunstein, 89: 2017).

بدین ترتیب، تعریف حقوقی و جامعه‌شناختی فرد مشهور هر دو بر یک نقطه اشتراک استوارند: شهرت نه وضعیت فرد، بلکه ساختاری اجتماعی - ارتباطی است که به کنش او قدرت مضاعف می‌بخشد. همین قدرت افزوده، اهمیت ویژه

به‌عنوان یک الگوی مشروعیت‌بخش در میان بخشی از جامعه عمل کند و احتمال بروز یا گسترش رفتارهای مشابه را افزایش دهد.

در حوزه تحلیل اجتماعی رسانه، نظریه «بازنمایی تقویت‌شده» نیز همین سازوکار را توضیح می‌دهد. بر اساس این نظریه، پیام‌هایی که از سوی افراد برخوردار از سرمایه نمادین منتشر می‌شود، وزن ارتباطی بیشتری نسبت به پیام‌های افراد عادی دارند و به‌صورت ساختاری احتمال انتشار، بازنشر و تبدیل شدن به معیاری برای تفسیر واقعیت را افزایش می‌دهند (Couldry, 2012: 61). این سازوکار نشان می‌دهد که چرا اظهارات سلبریتی‌ها در مسیر جرم‌زایی نقشی برجسته پیدا می‌کند: زیرا قدرت بازتولید گفتمانی آنان از حد یک پیام فردی فراتر می‌رود و به کنشی ساختاری تبدیل می‌شود.

از منظر حقوقی، مسؤولیت در جایی تشدید می‌شود که قابلیت پیش‌بینی پیام‌ها افزایش یافته و نقش فرد در ایجاد یا تشدید آسیب پررنگ‌تر باشد. هنگامی که فرد مشهور با توجه به گستره مخاطبان خود، امکان تحریک، تسهیل یا عادی‌سازی رفتارهای مضر را دارد، این ویژگی در تحلیل مسؤولیت حقوقی نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کند. نظریه‌های جدید مسؤولیت کیفری نیز بر این نکته تأکید می‌کنند که شدت اثرگذاری اجتماعی می‌تواند در تعیین حدود مسؤولیت مؤثر باشد، زیرا رابطه میان قدرت نفوذ و احتمال تولید آسیب رابطه‌ای مستقیم است (Ashworth, 2015: 128). در چنین چارچوبی، رفتار سلبریتی‌ها نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سطح ساختار اجتماعی معنا پیدا می‌کند و همین امر ضرورت بازنگری در نحوه ارزیابی مسؤولیت آنان را تقویت می‌نماید.

۲- قواعد فقهی مسؤولیت کیفری و تشدید کیفر افراد مشهور

در فقه اسلامی، مسؤولیت کیفری نه‌تنها بر اساس فعل ارتكابی، بلکه بر مبنای زمینه‌ها و آثار آن فعل تعیین می‌شود. افراد مشهور، به دلیل جایگاه ویژه اجتماعی و نفوذ گسترده خود، توانایی تأثیرگذاری بر افکار و رفتار جمعی را دارند؛ بنابراین اعمال مجرمانه آنان، از منظر فقهی، می‌تواند پیامدهای اجتماعی گسترده‌تری داشته باشد و مستلزم توجه ویژه در میزان کیفر باشد. مبنای فقهی مانند قاعده «تسبیب» و اصل

اظهارنظرهای این گروه را توجیه می‌کند و ضرورت تحلیل جامعه‌شناختی و حقوقی ویژه درباره دامنه مسؤولیت و پیامدهای کنش آنان را آشکار می‌سازد.

۲-۱- مسؤولیت اجتماعی و حقوقی افراد مشهور

تحلیل مسؤولیت اجتماعی و حقوقی افراد مشهور مبتنی بر این مبناست که ساختارهای اجتماعی، نقش و جایگاه کنشگران را در توزیع قدرت نمادین تعیین می‌کنند. در نظریه‌های مسؤولیت اجتماعی، شهرت، نوعی «سرمایه ارتباطی» تلقی می‌شود که به فرد امکان می‌دهد در فرایند تولید معنا و شکل‌دهی به کنش جمعی نقش فعال‌تری ایفا کند. این دیدگاه که ریشه در نظریه سرمایه نمادین بوردیو دارد، بر این نکته تأکید می‌کند که فرد مشهور واجد قدرت اثرگذاری بر میدان‌های اجتماعی است و بنابراین، باید بار مسؤولیت بیشتری را نسبت به پیامدهای گفتاری و رفتاری خود بپذیرد (Bourdieu, 1991: 75). شهرت در این سطح، صرفاً یک موقعیت اجتماعی نیست بلکه سازوکاری برای هدایت، تحریک یا تغییر جهت‌گیری‌های جمعی محسوب می‌شود.

در سطح تحلیل وظایف اجتماعی، نظریه‌ی «اخلاق عمومی» بر این نکته استوار است که هر کنشگری که قابلیت اثرگذاری بر حوزه عمومی را دارد، به دلیل گستره نفوذ و نقش او در بازتولید باورها و رفتارها، باید مورد سنجش شدیدتری قرار گیرد (Etzioni, 2014: 42). این نظریه به‌ویژه در مورد افرادی کاربرد دارد که حضور رسانه‌ای آنان، جریان ارتباطی جامعه را شکل می‌دهد. بر این اساس، اظهارات فرد مشهور از منظر هنجاری بار مضاعفی دارد؛ زیرا قدرت شکل‌دهی به ادراک عمومی در اختیار اوست.

رابطه میان نفوذ اجتماعی و توسعه جرم‌زایی، در نظریه‌های جرم‌شناسی مدرن نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه «انتقال فرهنگی»، رفتارهای مجرمانه در بستر گروه‌های مرجع و جریان‌های فرهنگی بازتولید می‌شوند و افرادی که در ساختار اجتماعی دارای جایگاه برجسته‌اند، نقش اصلی در انتقال الگوهای رفتاری دارند (Akers, 2017: 19). در چنین چارچوبی، وقتی فرد مشهور رفتاری خلاف قانون یا مغایر با نظم اجتماعی را بیان یا تأیید می‌کند، این کنش می‌تواند

و تنظیم مسؤولیت‌های اجتماعی و کیفری در نظر گرفته می‌شود (الحسینی، ۱۳۹۸: ۷۵). در حوزه اظهارنظرهای سلبریتی‌ها، کاربرد قاعده لاضرر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا گفته‌ها و پیام‌های آن‌ها می‌تواند موجب تحریف افکار عمومی، تشویق به رفتارهای زیان‌آور یا حتی ارتکاب جرائم شود. در نتیجه، رفتارهای اثرگذار و منتشرکننده زیان، از منظر فقهی و حقوقی قابل پیگرد هستند و جرم‌انگاری آن‌ها بر اساس پیشگیری از ضرر و حفاظت از حقوق عمومی توجیه می‌شود (صالحی، ۱۴۰۱: ۹۸). این اصل فقهی، تأکید بر پیشگیری و منع آثار مخرب ناشی از اظهارنظرهای آسیب‌زا دارد و محدود به رفتارهای مادی نیست بلکه شامل افعال معنوی و رفتاری که جامعه را دچار آسیب می‌کنند نیز می‌شود. همچنین، رابطه میان وسعت نفوذ اجتماعی افراد مشهور و شدت آثار زیان‌بار آن‌ها باعث می‌شود که قاعده لاضرر به‌صورت ویژه‌ای برای ارزیابی مسؤولیت کیفری این گروه اعمال شود، به گونه‌ای که تشدید کیفر یا اعمال تعزیرات شدیدتر، هم‌سو با پیشگیری از ضرر، امکان‌پذیر گردد (کریمی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). این رویکرد حقوقی و فقهی نشان می‌دهد که مسؤولیت اجتماعی افراد مشهور صرفاً یک انتظار اخلاقی نیست، بلکه در چارچوب قواعد فقهی و حقوقی، مستلزم الزام و پاسخگویی کیفری است.

۲-۳- اصل نهی از منکر و مسؤولیت مضاعف کسانی که موجب گسترش منکر می‌شوند

اصل نهی از منکر در فقه اسلامی به‌عنوان یکی از وظایف اجتماعی و دینی، تأکید دارد که هر فردی موظف است در مقابل رفتارهای نادرست و زیان‌آور جامعه اقدام کند و از گسترش آن جلوگیری نماید (رائفی‌پور، ۱۴۰۰: ۵۳). این اصل علاوه بر وجوه اخلاقی، ابعاد حقوقی نیز دارد و می‌تواند مبنایی برای اعمال مسؤولیت کیفری کسانی باشد که با رفتارها یا اظهارات خود موجبات ارتکاب منکرات را فراهم می‌کنند یا آن‌ها را ترویج می‌دهند. در این چارچوب، افرادی که دارای نفوذ اجتماعی هستند و با اعمال یا گفته‌هایشان موجبات ارتکاب رفتارهای نادرست در جامعه می‌شوند، مسؤولیت مضاعف دارند و باید پاسخگوی پیامدهای زیان‌آور آن باشند (کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۸).

«لاضرر» امکان تحلیل این آثار و تعیین شدت مسؤولیت را فراهم می‌کند. این مقدمه، زمینه را برای بررسی نحوه تشدید کیفر سلبریتی‌ها و تطبیق آن با اصول فقهی فراهم می‌سازد و ارتباط میان قدرت اجتماعی، مسؤولیت اخلاقی و تعزیرات فقهی را برجسته می‌کند.

۱-۲- قاعده تسبیب و ارتباط آن با تحریک، تشویق و اغوا

قاعده تسبیب در فقه اسلامی به معنای ایجاد سبب برای ارتکاب فعل حرام یا زیان‌آور توسط دیگری است و تأکید دارد که فردی که موجب وقوع فعل غیرقانونی یا اخلاقی می‌شود، مسؤولیت کیفری قابل توجهی دارد (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۱۷). در این چارچوب، رفتارهایی مانند تحریک، تشویق و اغوا از سوی افراد مشهور به‌عنوان وسایلی برای تأثیرگذاری بر افکار و رفتار جامعه تلقی می‌شود و به همین دلیل از منظر فقهی، شمول قاعده تسبیب برای این گونه اقدامات قابل بررسی است (سید قطب، ۱۴۰۰، ۱۲۴). شهرت و نفوذ اجتماعی این افراد سبب می‌شود که آثار رفتار آنها گسترده‌تر و تأثیرات سوء احتمالی شدیدتر باشد، به‌طوری‌که حتی گفته‌ها یا تبلیغات آن‌ها می‌تواند موجبات ارتکاب جرائم توسط دیگران را فراهم کند. در چنین شرایطی، قاعده تسبیب حکم می‌کند که مسؤولیت کیفری فرد مشهور با توجه به وسعت اثرگذاری و امکان پیش‌بینی پیامدها افزایش یابد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). این رویکرد فقهی ضمن تأکید بر ضرورت رعایت اخلاق اجتماعی، به عدالت کیفری کمک می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت اجتماعی نه تنها با حقوق، بلکه با مسؤولیت‌های گسترده همراه است. بدین ترتیب، درک قاعده تسبیب و کاربرد آن در تحلیل رفتار سلبریتی‌ها، زمینه حقوقی و فقهی مناسبی برای تشدید کیفر در مواجهه با تحریک و اغوای عمومی فراهم می‌آورد و هم‌سو با اصول فقهی مانند «لاضرر» و «تقصیر»، مسؤولیت ویژه‌ای برای افراد مشهور در جامعه ترسیم می‌کند.

۲-۲- قاعده لاضرر و نقش آن در جرم‌انگاری اظهارنظرهای زیان‌بار

قاعده لاضرر یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی است که تأکید دارد هیچ فردی حق ندارد عملی انجام دهد که به دیگری ضرر مادی یا معنوی برساند و این قاعده به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری

دینی، تشدید مسؤولیت کیفری و اعمال تعزیرات شدیدتر برای افراد اثرگذار که با اظهارنظرها یا رفتارهای خود موجب ارتکاب منکرات می‌شوند، یک الزام عقلانی و دینی است و هم‌سو با اصول پیشگیری و حفظ نظم اجتماعی محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۹۸). این چارچوب دینی نه‌تنها افراد را به رعایت حدود اخلاقی و قانونی تشویق می‌کند بلکه مبنای حقوقی محکمی برای پیگیری مسؤولیت آنان در نظام حقوقی و فقهی فراهم می‌آورد.

۵-۲- تبیین رویکرد فقه امامیه

فقه امامیه بر اساس مبانی اصولی و کاربرد قواعد فقهی، تشدید تعزیر برای افرادی که دارای نفوذ و تأثیر اجتماعی گسترده هستند را نه‌تنها جایز بلکه گاه ضروری می‌داند. این رویکرد ناشی از فهم عمیق از نقش تأثیرگذار افراد در گسترش رفتارهای نادرست و ارتکاب منکرات است. در منابع فقهی، تعزیر به معنای اعمال مجازات مناسب برای حفظ نظم اجتماعی و پیشگیری از آثار زیان‌آور رفتارهای مجرمانه تعریف شده است و فقه امامیه معتقد است که وسعت نفوذ و قدرت اثرگذاری مرتکب می‌تواند ملاک تشدید تعزیر باشد (قمی، ۱۴۰۵: ۱۲۲). این دیدگاه بر اساس قاعده تسبیب و اصل لاضرر تقویت می‌شود؛ زیرا اظهارنظرها یا اقدامات افراد مشهور که موجب تحریک، تشویق یا اغوای دیگران به ارتکاب جرم می‌شود، نه‌تنها زیان فردی بلکه زیان جمعی ایجاد می‌کند (خرسندی، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

از منظر فقه امامیه، مجازات متناسب با وسعت تأثیر و آثار منفی رفتار، تضمین‌کننده بازدارندگی و رعایت عدالت اجتماعی است. علاوه بر این، آموزه‌های امامیه بر مسؤولیت مضاعف افراد اثرگذار تأکید دارد و تصریح می‌کند که کسی که با قدرت و شهرت خود موجبات گسترش منکرات را فراهم می‌آورد، باید در برابر آثار اجتماعی اقدامات خود پاسخگو باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۸: ۱۸۷). این رویکرد نه‌تنها به تقویت نظم اخلاقی و اجتماعی کمک می‌کند بلکه مبنای محکمی برای انطباق مقررات کیفری با اصول فقهی فراهم می‌آورد و به قانون‌گذار امکان می‌دهد که در مواردی که افراد دارای نفوذ گسترده مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند، اعمال تعزیرات

از منظر فقهی، چنین مسؤولیتی فراتر از پاسخگویی شخصی است و شامل پیشگیری از تأثیرگذاری منفی بر دیگران نیز می‌شود، زیرا گستردگی اثرگذاری افراد مشهور می‌تواند ضرر جمعی ایجاد کند. بنابراین، اصل نهی از منکر در این بستر، مبنای تشدید کیفر و اعمال تعزیرات شدیدتر بر کسانی است که با رفتارهای خود زمینه‌ساز منکرات می‌شوند (حسینی، ۱۴۰۲: ۱۲۱). این رویکرد نشان می‌دهد که مسؤولیت اجتماعی و حقوقی افراد دارای نفوذ، به‌ویژه سلبریتی‌ها، نه‌تنها یک الزام اخلاقی بلکه یک الزام قانونی و فقهی است و جلوگیری از گسترش منکرات از طریق محدود کردن یا مجازات اقدامات اثرگذار، یکی از مصادیق عملی تحقق این اصل است. این دیدگاه ضمن تأکید بر پیشگیری از آثار زیان‌آور، هم‌سو با اصول عدالت و حفظ نظم اجتماعی است و ضرورت توجه ویژه به مسؤولیت مضاعف افراد مشهور را برجسته می‌کند.

۴-۲- آیات و روایات مرتبط با تشدید مسؤولیت افراد اثرگذار

در فقه اسلامی و منابع دینی، آیات قرآن و روایات معصومان نقش اساسی در تعیین حدود مسؤولیت افراد در قبال تأثیرگذاری بر جامعه دارند. قرآن کریم بارها مسؤولیت انسان‌ها را در قبال رفتارهای خود و دیگران یادآور شده است، به گونه‌ای که کسانی که موجب ارتکاب گناه یا گسترش فساد در جامعه می‌شوند، نه‌تنها در مقابل عمل خود بلکه در قبال آثار آن بر دیگران نیز مسؤولند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۱۴). آیه «ولا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکة» به صراحت افراد را از اعمالی که خود و دیگران را در معرض خطر و آسیب قرار می‌دهد، باز می‌دارد و زمینه فقهی تشدید مسؤولیت کسانی را که با رفتارهای خود موجب گسترش منکرات یا فساد می‌شوند، فراهم می‌کند (آلوسی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

در روایات نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است؛ پیامبر اکرم (ص) تأکید کرده‌اند که هرکس موجب گمراهی دیگران شود، در برابر اعمال و پیامدهای آن شریک است و مسؤولیت مضاعف دارد (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۱: ۸۷). این آموزه‌ها اهمیت نفوذ اجتماعی و اثرگذاری افراد مشهور را برجسته می‌کند، زیرا وسعت تأثیر آن‌ها می‌تواند آثار زیان‌آور گسترده‌تری ایجاد کند و مسؤولیت آن‌ها را سنگین‌تر سازد. بنابراین، از منظر فقهی و

شدیدتر را لحاظ کند. بنابراین، فقه امامیه با تأکید بر تأثیر اجتماعی رفتارها و اصل مسؤولیت مضاعف، تشدید کیفر برای افراد مشهور را به‌عنوان یک ضرورت حقوقی و اخلاقی مطرح می‌کند.

۳- رویکرد نظام حقوقی ایران

رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال هر مسأله حقوقی، بازتابی از تعامل پیچیده میان منابع مختلف حقوقی، از جمله فقه امامیه، قانون اساسی و قوانین عادی است. این نظام، با بهره‌گیری هم‌زمان از یک بنیان فقهی - الهی و ساختار حقوقی - مدنی، تلاش می‌کند تا پاسخ‌هایی متوازن و کارآمد به چالش‌های نوظهور ارائه دهد. از این‌رو، تحلیل هر موضوع در چارچوب حقوق ایران مستلزم توجه به این دوگانه بنیادین است؛ دوگانه‌ای که هم به نظام حقوقی ایران غنای نظری بخشیده و هم سبب شکل‌گیری برخی ابهامات و تفاوت‌ها در تفسیر و اجرا شده است.

۳-۱- جرائم مرتبط با اظهارنظر در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲

نظام کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قوانین تعزیرات، چارچوبی منسجم برای کنترل رفتارهای گفتاری زبان‌بار سامان داده است؛ چارچوبی که هدف آن حمایت از حیثیت اشخاص، نظم عمومی و امنیت روانی جامعه است. توهین، افترا، نشر اکاذیب، تحریک و ترغیب به فساد و تشویش اذهان عمومی، اصلی‌ترین مصادیق این جرائم‌اند و هر یک بر پایه مبانی متفاوتی تعریف شده‌اند. توهین به‌عنوان رفتاری تحقیرآمیز که با الفاظ یا اعمال متضمن خوارداشت همراه است، موجب مخدوش شدن کرامت انسانی می‌شود و ملاک آن ارزیابی عرفی از تحقیر است. برای تحقق عنصر معنوی آن، آگاهی مرتکب از ماهیت اهانت‌آمیز گفتار ضرورت دارد (علوی، ۱۳۹۵: ۵۴). افترا نیز ناظر به نسبت دادن صریح جرم بدون ارائه دلیل است و قانون‌گذار با جرم‌انگاری آن با هدف حمایت از اعتبار اجتماعی اشخاص، تحقق سه عنصر «انتساب جرم»، «فقدان دلیل» و «قصد اضرار» را لازم دانسته است (کاظمی، ۱۳۹۷: ۹۱).

نشر اکاذیب در حقوق ایران دارای گستره مفهومی وسیع‌تری نسبت به افترا است. این عنوان شامل هرگونه نشر مطالب دروغ یا نسبت‌های ناروا با هدف اضرار یا تشویش اذهان می‌شود. عنصر معنوی آن نیز متکی بر علم به کذب بودن محتوا و قصد ایراد لطمه یا ایجاد اضطراب جمعی است (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۳۲). ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات، اصلاحی ۱۳۹۹) مبنای اصلی این جرم بوده و رفتارهایی همچون تنظیم‌نامه، شکواییه، گزارش، یا توزیع اوراق چاپی یا خطی - اعم از دارای امضا یا فاقد امضا - را در صورت متضمن اظهار اکاذیب یا نسبت‌های خلاف واقع، مشمول مجازات دانسته است. مطابق این ماده، تحقق ضرر بالفعل شرط نیست؛ بلکه «قصد اضرار یا قصد تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» به‌تنهایی برای تحقق مسؤولیت کیفری کفایت می‌کند (سپهری، ۱۴۰۰: ۲۲۱). ماده ۶۹۸ همچنین با ذکر «اعاده حیثیت در صورت امکان»، بر ماهیت جبرانی این جرم تأکید کرده و دامنه حمایت از شخصیت معنوی افراد را فراتر از آسیب مادی قرار داده است.

تحریک، ترغیب و دعوت به فساد عنوان مهم دیگری است که مبتنی بر افزایش احتمال ارتکاب رفتارهای مفسده‌آمیز تحلیل می‌شود. در این جرم، وقوع بالفعل فساد شرط تحقق نیست، بلکه ایجاد زمینه و تشویق ذهنی نیز می‌تواند عنصر مادی را تشکیل دهد (رحمانی، ۱۳۹۷: ۷۷). هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری این رفتار، حمایت از سلامت اخلاقی و جلوگیری از تأثیرات مخرب گفتار بر کیفیت نظم اجتماعی است.

تشویش اذهان عمومی، هرچند عنوان مستقل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ندارد، اما ماهیت آن از ترکیب قواعد عمومی و جرائمی نظیر نشر اکاذیب و رفتارهای مخل امنیت روانی استخراج می‌شود. این مفهوم ناظر به ایجاد اضطراب یا بی‌اعتمادی جمعی از طریق ارائه اطلاعات گمراه‌کننده است و معیار تحقق آن تأثیر محتوا بر آرامش عمومی است، نه صرف انتشار آن (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۰۳). در نتیجه، این عنوان بیش از آنکه یک جرم مستقل باشد، یک «وصف حقوقی» است که در تحلیل بسیاری از رفتارهای گفتاری به‌ویژه در کنار ماده ۶۹۸ نقش ایفا می‌کند.

برهنگی کامل یا اعمال جنسی صریح استوار است. عنصر مادی جرم در این ماده محدود به «نمایش عریان و غیرمتعارف جنسی» نیست، بلکه تکنولوژی‌های نوین مانند واقعیت افزوده یا تولیدات دیجیتال نیز می‌توانند مصداق تحقق آن باشند (عابدی، ۱۴۰۰: ۶۲). در کنار این، ماده ۱۵ به «محتوای مبتذل» اختصاص دارد که مرتبه‌ای خفیف‌تر از مستهجن تلقی می‌شود. این ماده ناظر به آثاری است که گرچه صریحا جنسی نیستند، اما موجب تضعیف عفت عمومی یا اشاعه رفتارهای ناهنجار می‌شوند و در نتیجه به‌عنوان تهدیدی علیه سلامت فرهنگی جامعه شناخته می‌گردند (خطیبی، ۱۳۹۷: ۸۳). تمایز میان مستهجن و مبتذل بر پایه شدت اثر اخلاقی و میزان صراحت محتوای جنسی است و همین تمایز در شدت مجازات‌ها و نوع ضمانت اجراها نیز انعکاس یافته است.

ماده ۲۱ قانون جرائم رایانه‌ای با تمرکز بر «تحریک، ترغیب، تسهیل و تهدید»، از مهم‌ترین مواد مرتبط با رفتارهای گفتاری در فضای دیجیتال است. این ماده رفتاری را جرم می‌داند که موجب تحریک یا ترغیب اشخاص به ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی، اموال، امنیت، عفت یا سلامت روانی دیگران شود. رکن اصلی جرم، ایجاد زمینه ذهنی یا عملی برای ارتکاب رفتار مجرمانه است، حتی اگر جرم موردنظر در نهایت محقق نشود. فضای مجازی در این زمینه به دلیل امکان ناشناس بودن، قابلیت دسترسی گسترده و امکان ایجاد شبکه‌های نفوذ روانی، بستر مساعدی برای تحقق این نوع رفتارهاست (نیرومند، ۱۳۹۹: ۱۴۵). این ماده همچنین تهدید به ارتکاب جرم از طریق داده‌ها یا پیام‌های الکترونیکی را جرم‌انگاری کرده و هدف آن پیشگیری از سوءاستفاده از بستر دیجیتال برای ایجاد ترس، اجبار یا القای ناامنی است. قانون‌گذار در این ماده بیش از آنکه بر رفتار نهایی تمرکز کند، بر «اثر احتمالی و ظرفیت زیان‌بار محتوای تحریک‌آمیز» تأکید دارد.

نظام حقوقی ایران از طریق این مواد، منطق پیشگیرانه‌ای را دنبال می‌کند که بر اساس آن، محتوای دیجیتال باید از منظر اثرگذاری بالقوه بر نظم عمومی، امنیت روانی و سلامت اخلاقی جامعه ارزیابی شود. شدت واکنش کیفری در این قانون تابعی از «قدرت انتشار» و «دامنه مخاطبان بالقوه» است؛ زیرا حتی

در مجموع، رویکرد حقوق کیفری ایران در قبال اظهارنظر، رویکردی مبتنی بر «حمایت از شخصیت و نظم عمومی» است. گفتار زمانی مشروع تلقی می‌شود که متضمن آسیب به حق فردی یا جمعی نباشد و هرگاه محتوای بیان از این چارچوب خارج شود، در قالب یکی از عناوین فوق قابل تحلیل است. این منطق نشان‌دهنده غلبه‌ی نگاه حفاظتی بر آزادی بیان است؛ نگاهی که بیشتر بر کنترل آسیب‌های ناشی از گفتار متمرکز دارد تا بر توسعه حوزه مصونیت‌های بیان.

۲-۳- قانون جرائم رایانه‌ای

قانون جرائم رایانه‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تقنینی در زمینه مدیریت محتوای آنلاین، چارچوبی حقوقی برای مواجهه با رفتارهای گفتاری و نوشتاری زیان‌بار در فضای دیجیتال ارائه می‌کند. این قانون با توجه به ویژگی‌های محیط سایبر - نظیر سرعت انتشار، گستره دسترسی و دشواری کنترل - به جرم‌انگاری مصادیقی اقدام کرده است که در صورت تحقق در بستر سنتی ممکن است آثار محدودتری ایجاد کنند. ماده ۱۸ قانون مذکور با محوریت «نشر اکاذیب» در فضای مجازی، رفتارهایی را که متضمن نسبت دادن امری خلاف واقع یا انتشار محتوای دروغین با قصد ضرر یا تشویش اذهان عمومی هستند، مشمول مسئولیت کیفری قرار داده است. گستره این ماده، فراتر از ماده ۶۹۸ تعزیرات است؛ زیرا اولاً بستر ارتکاب را فضای سایبری می‌داند و ثانياً ابزار تحقق را شامل «سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی» کرده و بدین ترتیب هر نوع پیام، تصویر، صوت یا داده قابل‌انتشار در شبکه را در بر می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۹۸: ۱۰۹). هدف قانون‌گذار در این ماده، کنترل موج‌های اطلاعاتی گمراه‌کننده‌ای است که می‌تواند امنیت روانی کلان را مختل کند؛ به‌ویژه آنکه سرعت بازنشر محتوا در چنین محیطی، شدت اثرگذاری رفتار مجرمانه را افزایش می‌دهد.

مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای نیز با تمرکز بر «محتوای مستهجن و مبتذل» به ابعاد اخلاقی و فرهنگی فضای مجازی می‌پردازند. ماده ۱۴، انتشار، تولید، توزیع، معامله یا ذخیره‌سازی محتوای مستهجن را مستوجب مجازات دانسته و تعریفی نسبتاً دقیق از «مستهجن» ارائه می‌کند؛ تعریفی که بر نمایش

محتوایی با حجم محدود، در صورت انتشار در شبکه‌های اجتماعی یا پلتفرم‌های عمومی، قادر است ساختار امنیتی یا فرهنگی جامعه را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد (پاکدل، ۱۴۰۱: ۹۹). علاوه بر این، بعد زمانی در فضای مجازی مؤثر است؛ زیرا استمرار دسترسی به محتوا حتی ماه‌ها پس از انتشار آن، آثار آسیب‌زای رفتار مجرمانه را افزایش می‌دهد و این امر توجیه‌کننده جرم‌انگاری شدیدتر در این حوزه است.

ترکیب این مقررات نشان می‌دهد که قانون جرائم رایانه‌ای، برخلاف برداشت‌های تقلیل‌گرایانه، منحصر به حمایت از ساحت اخلاقی نیست بلکه به شکل گسترده‌ای در حوزه امنیت روانی، حیثیت اجتماعی و پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته نیز نقش ایفا می‌کند. الگوی تقنینی این قانون، الگویی مبتنی بر «حفاظت چندلایه» است که طی آن هر نوع محتوا با معیار اثرگذاری و نه صرف ماهیت ظاهری آن، ارزیابی می‌شود. در نتیجه، مسئولیت کیفری در فضای سایبر تابع وضعیت پلتفرم، گستره دسترسی، میزان مخاطب و قابلیت بازنشر محتواست؛ اموری که در نظام کیفری سنتی جایگاه کمتری داشتند. با این وصف، قانون جرائم رایانه‌ای بیش از هر چیز تلاشی برای بازتعریف مرزهای آزادی بیان، با توجه به منطق مخاطره‌زا و شبکه‌ای فضای مجازی است.

۳-۳- قوانین مقررات خاص

قوانین و مقررات خاص در نظام حقوقی ایران، مجموعه‌ای از سازوکارهای تقنینی را شکل می‌دهند که هدف آن‌ها تنظیم رفتارهای ارتباطی، رسانه‌ای و تبلیغاتی است؛ رفتارهایی که به دلیل اثرگذاری مستقیم بر افکار عمومی و ساختار فرهنگی جامعه، نیازمند نظارت مضاعف‌اند. در این میان، مقررات ناظر بر تبلیغات، رسانه‌ها و حمایت از امر به معروف و نهی از منکر نقش تعیین‌کننده‌ای در سامان‌دهی اظهارنظرها و انتشار محتوا دارند. آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان که به تصویب هیئت دولت رسیده، یکی از مهم‌ترین اسناد در حوزه مدیریت تبلیغات است. این آیین‌نامه با تعیین موارد هدفه‌گانه تبلیغات خلاف واقع، معیارهای قانونی شفاف‌تری برای تشخیص اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده ارائه کرده است. هدف از این مقررات، جلوگیری از ایجاد تصور

نادرست در ذهن مخاطب و محدود کردن رفتارهایی است که از طریق اغراق، تحریف یا ارائه داده‌های غلط، موجب فریب مصرف‌کننده می‌شوند. این چارچوب نه تنها جنبه حمایتی دارد بلکه به لحاظ کیفری نیز با ایجاد مسئولیت برای عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، از انتشار گسترده تبلیغات نادرست جلوگیری می‌کند (مرادی، ۱۳۹۸: ۵۴). شدت اثرگذاری تبلیغات بر انتخاب‌های اقتصادی و فرهنگی مخاطبان، توجیه‌کننده جرم‌انگاری چنین رفتارهایی است؛ زیرا این نوع اطلاعات نادرست می‌تواند ساختار بازار، اعتماد عمومی و الگوی مصرف را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد.

در کنار مقررات مربوط به تبلیغات، قانون مطبوعات نیز سهم بسزایی در تنظیم اظهارنظرها و انتشار محتوا دارد. این قانون با تعیین حدود و ثغور فعالیت رسانه‌ای، تکالیفی را بر عهده مطبوعات قرار داده است که هدف آن‌ها حفظ امنیت روانی و اخلاقی جامعه، جلوگیری از اشاعه مطالب خلاف واقع و صیانت از حقوق افراد است. از جمله این تکالیف می‌توان به ممنوعیت نشر مطالب مشتمل بر توهین، افتراء، تحریف حقایق یا نشر اکاذیب اشاره کرد (مهدوی، ۱۴۰۰: ۱۲۳). قانون مطبوعات همچنین تأکید دارد که رسانه‌ها مسؤول پیامدهای اجتماعی و اخلاقی محتوای منتشرشده‌اند، حتی در صورتی که محتوا به قصد اطلاع‌رسانی منتشر شده باشد. این رویکرد نشأت گرفته از این فرض است که رسانه، به دلیل گستره نفوذ و سرعت انتشار، ظرفیتی برای ایجاد موج‌های روانی و تحریک افکار عمومی دارد؛ ظرفیتی که می‌تواند زمینه‌ساز تشویش اذهان، تخریب حیثیت افراد یا ایجاد بی‌نظمی اجتماعی شود.

قانون مطبوعات از حیث منطق تقنینی، مبتنی بر اصل «مسئولیت در قبال اثر» است. این اصل تصریح می‌کند که بیان و انتشار محتوا در صورتی مجاز است که آثار زیان‌بار قابل پیش‌بینی نداشته باشد. از این رو، حتی اگر قصد مرتکب خیرخواهانه باشد، چنانچه محتوا در عمل به ایجاد آسیب روانی یا فرهنگی منجر شود، مسئولیت رسانه‌ای و کیفری برای او متصور خواهد بود (زارع، ۱۳۹۶: ۷۹). این منطق با توجه به ساختار شبکه‌ای رسانه‌ها ضروری است؛ زیرا نقش رسانه‌ها در

منظر ماهیت، بلکه از حیث اثرگذاری بالقوه بر نظم، اخلاق و سلامت عمومی ارزیابی می‌شوند. از همین رو، مسؤولیت کیفری در این حوزه تابعی از دامنه‌ی اثرگذاری، میزان مخاطب و قابلیت نشر است؛ عناصری که در عصر رسانه‌های اجتماعی ابعاد جدیدی یافته‌اند.

۴- مبانی قانونی تشدید کیفر

در چارچوب نظام تقنینی ایران، تشدید کیفر در جرائم علیه عفت، اخلاق و نظم عمومی بر پایه مجموعه‌ای از معیارهای ماهوی و شخصی استوار است که مهم‌ترین آنها در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تجلی یافته است. این ماده به مثابه یک قاعده راهبردی، دادگاه را موظف می‌سازد که در تعیین میزان مجازات، نوع، کیفیت، انگیزه و شیوه ارتکاب جرم، نتایج حاصل از آن، وضعیت بزه‌دیده، شخصیت مرتکب و نقش او در ارتکاب رفتار مجرمانه را به صورت توأمان لحاظ کند. تحلیل این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که قانون‌گذار، تشدید کیفر را در راستای دستیابی به بازدارندگی مؤثر، حمایت از امنیت جمعی و اعمال عدالت تفریقی در قبال مرتکبان دارای درجه خطرناکی بالاتر تنظیم کرده است (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

بر پایه‌ی بندهای مربوط به «شخصیت مرتکب»، شخصیتی که واجد ویژگی‌هایی نظیر سابقه‌دار بودن، شهرت به رفتارهای مجرمانه، فقدان پایبندی به هنجارهای اجتماعی یا ارتکاب جرم در چارچوب یک سازمان یافته مجرمانه است، ظرفیت بیشتری برای تشدید کیفر ایجاد می‌کند. این معیار به نوعی بیانگر نگاه فرد محور قانون‌گذار در ارزیابی خطرناکی مجرم است؛ زیرا فردی که از منظر روانی، اخلاقی یا اجتماعی نشانه‌هایی از گرایش پایدار به هنجارگریزی دارد، تهدید بیشتری برای امنیت اجتماعی محسوب می‌شود و همین امر ضرورت اعمال واکنش کیفری شدیدتر را توجیه می‌کند (محمدنژاد، ۱۴۰۰: ۵۷). در این زمینه، حتی عوامل مرتبط با انگیزه ارتکاب مانند انگیزه‌های سودجویانه، انتقام‌جویانه یا مبتنی بر تحقیر ارزش‌های عمومی نیز به عنوان شاخص‌های مؤثر در تشدید مجازات مدنظر قرار می‌گیرند.

همچنین بندهای مرتبط با «شیوه ارتکاب» جرم، معیار مهم دیگری در افزایش شدت واکنش کیفری به شمار می‌رود.

شکل‌دهی به افکار عمومی به مراتب فراتر از نقش اشخاص عادی است.

در حوزه‌ای دیگر، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز در تنظیم رفتارهای عمومی مرتبط با اظهارنظر نقش دارد. این قانون با تأکید بر وظیفه شرعی و اجتماعی امر به معروف، چارچوبی برای حمایت از افرادی ارائه می‌کند که در جهت مقابله با رفتارهای مفسده‌برانگیز اقدام می‌کنند. قانون مذکور تصریح می‌کند که افراد جامعه مسؤولیت مشارکت در صیانت اخلاقی جامعه را بر عهده دارند و هر نوع رفتار یا گفتاری که موجب تضعیف ارزش‌های اخلاقی شود، می‌تواند مصداق منکر و زمینه‌ساز مسؤولیت حقوقی و کیفری باشد (سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۴). از منظر این قانون، اظهارنظرهایی که موجب گسترش فساد، اشاعه منکرات یا عادی‌سازی رفتارهای ناهنجار شوند، نه تنها فاقد حمایت قانونی‌اند بلکه می‌توانند موجب واکنش کیفری شوند. مبنای این رویکرد، پیوند میان مسؤولیت فردی و سلامت جمعی است؛ به این معنا که گفتار و رفتار افراد در عرصه عمومی باید در جهت حفظ مصالح عامه و جلوگیری از اشاعه رفتارهای مفسده‌آور باشد.

این قانون همچنین تأکید می‌کند که در مواردی که انتشار محتوا موجب اشاعه منکر یا ترویج فساد می‌شود، دولت و نهادهای رسمی مکلف‌اند از ابزارهای قانونی برای مقابله با این پدیده استفاده کنند. اهمیت این قانون در بستر شبکه‌های اجتماعی دوجندان است؛ زیرا رفتارهایی که پیش‌تر در محیط‌های محدود قابل مشاهده بود، اکنون قابلیت دیده‌شدن در سطح گسترده و تأثیرگذاری عمیق‌تری پیدا کرده است. بر این اساس، گفتارهای انحرافی یا محتوای ترویجی که در فضای دیجیتال منتشر می‌شود، ظرفیت بالاتری برای ایجاد موج‌های فرهنگی و اخلاقی دارد و این امر ضرورت واکنش تقنینی را تقویت می‌کند (غفوری، ۱۳۹۹: ۵۶).

ترکیب مقررات مذکور نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در مواجهه با اظهارنظرها و محتواهای عمومی -چه در قالب تبلیغات، چه در قالب فعالیت رسانه‌ای و چه در چارچوب امر به معروف- بر مبنای اصول پیشگیرانه و توجه به آثار اجتماعی رفتار عمل می‌کند. در این ساختار، گفتار و محتوا نه صرفاً از

۵- مسؤولیت کیفری سلبریتی در اظهارات خصوصی که عمومی می‌شوند

مسؤولیت کیفری سلبریتی‌ها در مواجهه با اظهارات خصوصی که در فضای عمومی منتشر می‌شود، تابع معیارهای عام حقوق کیفری درباره انتساب رفتار و احراز تقصیر است، اما به واسطه نقش اجتماعی و دامنه اثرگذاری آنها، تحلیل دقیق‌تری را ایجاب می‌کند. تمایز میان «انتشار عمدی» و «انتشار غیرعمدی» نخستین گام در تعیین مسؤولیت است. انتشار عمدی زمانی محقق می‌شود که صاحب بیان، خود اقدام به انتشار کرده یا به نحوی رفتار کرده باشد که اراده او متوجه انتشار در فضای عمومی باشد. در این حالت، قصد عام ارتکاب و علم به اثرگذاری اجتماعی مفروض گرفته می‌شود و عنصر روانی جرم در چارچوب قواعد عمومی محقق است (نظامی، ۱۳۹۹: ۴۴)؛ اما انتشار غیرعمدی، یعنی انتقال محتوا به عرصه عمومی توسط اشخاص ثالث، نافی مسؤولیت کیفری از اصل نیست؛ زیرا معیار انتساب، صرفاً قصد انتشار نیست، بلکه «پیش‌بینی‌پذیری» و «احتمال قوی وقوع» نیز نقش تعیین‌کننده دارند.

معیار «علم و احتمال قوی به انتشار» در تحلیل اظهارات خصوصی سلبریتی‌ها اهمیت ویژه دارد. شخصیتی که از جایگاه اجتماعی گسترده، دنبال‌کنندگان فراوان و حساسیت رسانه‌ای بالا برخوردار است، نسبت به احتمال دسترسی غیرمجاز، ضبط، بازنشر یا سوءاستفاده از اظهارات خصوصی آگاهی بیشتری دارد؛ بنابراین ارزیابی تقصیر او بر پایه معیار نوعی و با لحاظ جایگاه اجتماعی انجام می‌شود. در چنین مواردی اگرچه قصد مستقیم به انتشار وجود ندارد، اما «پیش‌بینی‌پذیری معقول» انتشار به‌عنوان شاخص احراز بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی قابل استناد است؛ به‌ویژه در مورد اظهاراتی که به‌طور ماهوی قابلیت لطمه به نظم عمومی، آبرو یا امنیت روانی جامعه را دارند (بخشی، ۱۴۰۰: ۷۵). در این تحلیل، علم شخص به اینکه بیان او دارای پتانسیل افشاگری رسانه‌ای است، می‌تواند مبنای تحقق عنصر روانی شکل غیرعمدی برخی جرائم مانند توهین، نشر اکاذیب یا تشویش اذهان باشد.

ارتکاب جرم با استفاده از وسایل خطرناک، سازمان‌یافته، برنامه‌ریزی‌شده، یا با بهره‌گیری از فناوری‌های پیچیده، شکل تشدید شده‌ای از تهدید علیه امنیت و آسایش اجتماعی را متبلور می‌سازد. در جرائمی نظیر ترویج فساد، توزیع محتوای مستهجن یا تحریک عمومی، چنانچه ارتکاب به شیوه‌ای صورت گیرد که ضریب نفوذ اجتماعی بالایی داشته باشد -مانند استفاده از بسترهای گسترده رسانه‌ای یا فضای سایبری- این وضعیت موجبی برای تشدید کیفر است؛ زیرا دامنه اثر جرم و قابلیت آسیب‌رسانی آن چند برابر می‌شود (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۱۴).

از سوی دیگر، «تأثیر جرم بر نظم عمومی» یکی از مهم‌ترین دلایل موجه تشدید کیفر در ساختار حقوقی ایران محسوب می‌شود. نظم عمومی در مفهوم حقوق کیفری ایران، شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و امنیت روانی جامعه است که تعرض به آنها آسیب مستقیم به ساختار اجتماعی تلقی می‌شود. قانون‌گذار با تأکید بر نقش برهم‌زننده جرائمی که موجب تزلزل امنیت اخلاقی، گسترش فساد، تحریک احساسات جمعی یا خدشه به اعتماد عمومی می‌شوند، زمینه تشدید کیفر را فراهم کرده است. برای نمونه، جرائمی که تأثیر وسیع بر افکار عمومی داشته یا موجی از اضطراب، بی‌ثباتی یا بی‌اعتمادی در جامعه ایجاد می‌کنند، در دسته رفتارهایی قرار می‌گیرند که نیازمند واکنش کیفری شدیدتر هستند (قربانی، ۱۴۰۱: ۸۹). این تحلیل با توجه به مبانی نظری پیشگیری عمومی نیز قابل دفاع است؛ زیرا شدت عمل کیفری در این موارد، نقش بازدارندگی نمادین و اثرگذاری گسترده‌تری دارد.

با این ملاحظات، ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مجموعه‌ای از شاخص‌های هدفمند را ارائه می‌کند که بر اساس آنها امکان اعمال کیفر شدیدتر با رعایت تناسب، عدالت و اصول فردی‌سازی مجازات فراهم می‌شود. بدین ترتیب، تشدید کیفر نه یک ابزار تنبیهی صرف، بلکه سازوکاری برای تضمین امنیت جمعی، حمایت از ارزش‌های بنیادین جامعه و پاسخ متناسب به رفتارهایی است که به دلیل ویژگی‌های خاص مرتکب، شیوه ارتکاب یا میزان تأثیرگذاری، تهدیدی وسیع‌تر برای نظم عمومی ایجاد می‌کنند.

همچون تسبیب، لاضرر، نهی از منکر و مسؤولیت ناشی از اغوا و تحریک، همگی بر این نکته تأکید دارند که هر فردی که بتواند با گفتار یا رفتار خود موجبات گسترش فساد، انحراف یا ضرر اجتماعی را فراهم کند، مسؤولیتی مضاعف دارد.

در این چارچوب، «نفوذ اجتماعی» یک عنصر مؤثر در تشخیص میزان مسؤولیت تلقی می‌شود، زیرا افراد دارای جایگاه اجتماعی یا رسانه‌ای گسترده به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که آثار گفتار یا کنش آنان از حد یک فعل شخصی فراتر می‌رود و به سطحی از تأثیرگذاری عمومی می‌رسد که می‌تواند موجب اختلال در نظم اخلاقی و اجتماعی شود. بنابراین، در فقه امامیه، شدت تعزیر تابعی از «شدت اثرگذاری فعل» است و نه صرفاً «ماهیت فعل»؛ یعنی هرچه دامنه نفوذ اجتماعی شخص گسترده‌تر باشد، زمینه تشدید مجازات نیز بیشتر فراهم می‌شود. این دیدگاه در آثار فقها کاملاً قابل ردیابی است؛ چراکه آنان همواره میان فعل واحد، وقتی از سوی یک فرد عادی صادر می‌شود و هنگامی که از سوی فرد اثرگذار منتشر می‌گردد، تفاوت ماهوی قائل بوده‌اند.

در جمع‌بندی مبانی حقوقی نیز می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران، هرچند به‌صورت مستقیم عنوان «سلبریتی» یا «فرد مشهور» را وارد قانون نکرده، اما سازوکارهای موجود در قوانین کیفری امکان تشدید مجازات این افراد را کاملاً فراهم می‌کند. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مهم‌ترین محور این تحلیل است؛ زیرا معیارهای «شخصیت مرتکب»، «کیفیت رفتار»، «نحوه ارتکاب»، «آثار اجتماعی جرم» و «اخلال در نظم عمومی» را مبنای فردی‌سازی کیفر قرار داده است. تمامی این شاخص‌ها به‌طور طبیعی برای افراد مشهور وزن بیشتری پیدا می‌کنند؛ چراکه شخصیت اجتماعی آنان در معنای حقوقی، ویژگی برجسته‌ای است که در تعیین میزان مسؤولیت باید لحاظ شود. افزون‌بر این، شیوه ارتکاب جرم از سوی افراد مشهور غالباً با انتشار گسترده، ضریب تأثیر بالا و سرعت انتقال زیاد همراه است؛ بنابراین جرم آنان، حتی اگر ماهیت آن مشابه جرم یک فرد عادی باشد، به دلیل پیامدهای شدیدتر و اثرگذاری وسیع، در دایره «جرم شدیدتر» قرار می‌گیرد. نقش جرم در اخلال در نظم عمومی که مبنایی روشن برای تشدید

در مرحله پس از انتشار، «تحلیل کیفری ترک فعل» اهمیت ویژه می‌یابد. ترک فعل زمانی واجد وصف کیفری است که شخص تکلیف قانونی یا عرفی مؤثری برای اقدام داشته باشد و عدم اقدام او سبب استمرار یا تشدید آثار زیان‌بار شود. در زمینه اظهارات خصوصی منتشرشده، سلبریتی به‌محض اطلاع از انتشار، مکلف به انجام اقداماتی نظیر تکذیب، اصلاح، جلوگیری از گسترش انتشار یا ابراز توضیح رسمی است، زیرا موقعیت اجتماعی او نقشی مستقیم در مهار یا تشدید اثرگذاری محتوا دارد. امتناع از این اقدامات درحالی‌که به‌طور معقول توانایی و امکان انجام آنها وجود دارد، می‌تواند به‌عنوان ترک فعل قابل انتساب تلقی شود و عنصر تقصیر را در قالب بی‌مبالائی یا حتی پذیرش ضمنی پیامدها محقق سازد (کریمی، ۱۳۹۸: ۱۳۱). به‌ویژه زمانی که محتوا واجد ماهیت مجرمانه باشد یا انتشار آن به تحریک احساسات عمومی، جریحه‌دار شدن حیثیت اشخاص یا گسترش اخبار خلاف واقع منتهی شود، عدم اقدام به رفع یا کاهش آثار می‌تواند به‌عنوان «ادامه فعل زیان‌بار» تفسیر شود.

بر این اساس، مسؤولیت کیفری سلبریتی‌ها در اظهارات خصوصی تابع یک تحلیل سه‌مرحله‌ای است: نخست، بررسی عمد یا غیرعمد بودن انتشار؛ دوم، احراز علم یا پیش‌بینی‌پذیری انتشار؛ و سوم، ارزیابی ترک فعل پس از اطلاع. مجموع این معیارها نشان می‌دهد که جایگاه اجتماعی، گستره نفوذ و میزان اثرگذاری شخص در تعیین حدود مسؤولیت او نقش مستقیم دارد و نمی‌توان وی را مانند یک شخص عادی در ارزیابی تقصیر سنجید. این رویکرد همسو با اصول فردی‌سازی مسؤولیت و لزوم توجه به نقش رفتار در تأثیرگذاری بر نظم عمومی است.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری در خصوص مسؤولیت کیفری افراد مشهور در حقوق ایران نیازمند جمع‌بندی منسجم از مبانی فقهی و حقوقی است تا نشان دهد چرا و چگونه باید نسبت به این گروه، تعزیر شدیدتر اعمال شود. در بخش فقهی، مطالعه قواعد بنیادین نشان می‌دهد که فقه امامیه در برابر رفتارهای زیان‌بار افراد اثرگذار رویکردی سخت‌گیرانه اتخاذ کرده است. قواعدی

منابع و مأخذ

- الف. منابع فارسی و عربی**
- آلوسی، ابوالفتح راشد (۱۳۷۸). *روح المعانی فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الحسینی، حسین (۱۳۹۸). *فقه و حقوق عمومی: مبانی پیشگیری از ضرر*. قم: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی.
- بخشی، مهرداد (۱۴۰۰). *مسئولیت کیفری ناشی از بی‌احتیاطی در جرائم غیرعمدی*. تهران: جنگل.
- پاکدل، مهدی (۱۴۰۱). *سیاست جنایی ایران در جرائم رایانه‌ای*. تهران: میزان.
- حائری شیرازی، محمدتقی (۱۳۹۸). *مبانی فقهی حقوق کیفری*. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
- حسینی، رضا (۱۴۰۲). *فقه کیفری و تعزیرات در مواجهه با رفتارهای زیان‌آور*. قم: انتشارات مدرسه عالی فقه.
- خرسندی، محمدعلی (۱۳۸۲). *فقه جزایی امامیه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خطیبی، ناصر (۱۳۹۷). *مبانی مسئولیت کیفری در جرائم منافی عفت در فضای مجازی*. شیراز: ندای عدالت.
- رائفی‌پور، محمدرضا (۱۴۰۰). *اصل نهی از منکر در فقه و حقوق اسلامی*. تهران: نشر دانش.
- رحمانی، سعید (۱۳۹۷). *جرائم علیه اخلاق عمومی: تحلیل مبانی و عناصر*. قم: هدایت.
- زارع، رضا (۱۳۹۶). *مسئولیت رسانه‌ای در نظام حقوقی ایران*. اصفهان: آویژه.
- سپهری، ندا (۱۴۰۰). *تحلیل جرم نشر اکاذیب با تأکید بر ماده ۶۹۸ تعزیرات*. مشهد: روشنگر.
- سلطانی، محمدحسین (۱۳۹۵). *تحلیل فقهی و حقوقی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر*. قم: پژوهشکده فقه.

کیفر است، نیز در مورد افراد مشهور به‌طور ذاتی گسترده‌تر است؛ زیرا آنها به‌واسطه قدرت رسانه‌ای خود می‌توانند به‌سرعت افکار عمومی را متأثر کنند و موج‌های اجتماعی ایجاد نمایند.

برآیند این دو دسته مبانی -فقهی و حقوقی- به نظریه‌ای واحد منتهی می‌شود؛ افراد مشهور در حقوق ایران باید مشمول تعزیر شدیدتر شوند، زیرا اثرگذاری اجتماعی آنان به‌طور مستقیم میزان خطر و گستره آسیب‌های ناشی از رفتارشان را افزایش می‌دهد. این نظریه نه مبتنی بر تبعیض، بلکه بر اصل عدالت است؛ چراکه عدالت کیفری مستلزم تناسب مجازات با میزان خطر اجتماعی مرتکب است. اگر فردی به‌واسطه موقعیت اجتماعی خود می‌تواند میلیون‌ها نفر را در زمان کوتاه تحت تأثیر قرار دهد، مسئولیت او نمی‌تواند با مسئولیت فردی که فاقد چنین نفوذی است یکسان تلقی شود. فقه امامیه این اصل را با تکیه بر قواعدی چون نهی از منکر و تسبیب تقویت کرده و حقوق ایران نیز با سازوکارهای فردی‌سازی کیفر، ظرفیت اجرای آن را فراهم کرده است. نتیجه آنکه تعزیر شدیدتر برای افراد مشهور نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه در بسیاری از موارد ضروری است تا از گسترش آسیب‌های اجتماعی، تحریف ارزش‌ها، تشویش افکار عمومی و سوءاستفاده از نفوذ رسانه‌ای جلوگیری شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

- سید قطب، شریخ (۱۴۰۰). *العدل الاجتماعي و المسؤولية الفردية*. قاهره: دارالمعارف.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه الوفاء.
- صادقی، امین (۱۳۹۶). *نظم عمومی و امنیت روانی در حقوق کیفری ایران*. مشهد: مارندیز.
- صادقی، منصور (۱۳۹۷). *تحلیل عوامل تشدید مجازات در جرائم سازمان یافته و سایبری*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- صالحی، علی (۱۴۰۱). *اصول مسئولیت اجتماعی و حقوق کیفری*. تهران: نشر عدالت.
- طباطبایی، محمدتقی (۱۳۸۵). *حقوق کیفری اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسوه.
- عابدی، مسعود (۱۴۰۰). *حقوق جزای رسانه و محتوای مستهجن*. قم: پژوهشکده فرهنگ.
- علوی، محمد (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی و شخصیت معنوی افراد*. تهران: میزان.
- غفوری، ندا (۱۳۹۹). *چالش‌های اخلاقی فضای مجازی و نقش قانون‌گذاری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- قربانی، احمد (۱۴۰۱). *نظم عمومی و واکنش کیفری در حقوق ایران*. تهران: سمت.
- قمی، محمدبن حسن (۱۴۰۵). *الفروع و المسائل*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- کاظمی، سعید (۱۳۹۷). *مسئولیت اجتماعی و نفوذ اجتماعی افراد مشهور*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- کاظمی، فرهاد (۱۳۹۷). *مبانی افترا و انتساب ناروا در حقوق کیفری ایران*. تهران: جنگل.
- کریمی، مهدی (۱۳۹۹). *قاعده لاضرر در فقه و حقوق کیفری*. مشهد: مؤسسه مطالعات فقهی و حقوقی.
- کریمی، نادر (۱۳۹۸). *تقصیر و پیش‌بینی‌پذیری در حقوق کیفری ایران*. قم: پژوهشگاه علوم انسانی.
- محمدنژاد، بهرام (۱۴۰۰). *شخصیت مرتکب و نقش آن در تعیین مجازات*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مرادی، سارا (۱۳۹۸). *نظام حقوقی تبلیغات تجاری در ایران*. تهران: سمت.
- مرادی، لیلا (۱۳۹۸). *اکاذیب و مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران*. اصفهان: کنکاش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق در اسلام*. تهران: نشر صدرا.
- مولایی، هومان (۱۳۹۸). *فلسفه فردی‌سازی مجازات در حقوق کیفری ایران*. تهران: میزان.
- مهدوی، کامران (۱۴۰۰). *حقوق مطبوعات و رسانه*. تهران: میزان.
- نظامی، فرزاد (۱۳۹۹). *عنصر روانی جرائم گفتاری و رفتاری*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نیرومند، احمد (۱۳۹۹). *تحریک و ترغیب در جرائم سایبری*. مشهد: حدیث قلم.
- یوسفی، حمید (۱۳۹۸). *تحلیل جرم نشر اکاذیب در فضای سایبری*. تهران: دادآور.
- ب. منابع انگلیسی**
- Akers, R (2017). *Social Learning and Social Structure*. New York: Routledge.
- Ashworth, A (2015). *Principles of Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Bourdieu, P (1991). *Language and Symbolic Power*. Cambridge: Polity Press.
- Couldry, N (2012). *Media, Society, World*. Cambridge: Polity Press.

- Duff, R. A (2018). *The Realm of Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Etzioni, A (2014). *The Responsive Community*. New York: Palgrave Macmillan.
- Feinberg, J (1984). *Harm to Others*. Oxford: Oxford University Press.
- Sunstein, C. R (2017). *Republic: Divided Democracy in the Age of Social Media*. Princeton: Princeton University Press.